

## «ناسازگاری یا سازگاری، اندیشه شیعی با دموکراسی»

مناظره‌ی حاتم قادری و احمد قابل

یکشنبه ۲ آذر ۱۳۸۲ - خبرنگار احیر کبیر

**احمد قابل و حاتم قادری** در ادامه مراسم افطار انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شهید عباسپور با محوریت «ناسازگاری یا سازگاری اندیشه شیعی با دموکراسی» مناظره کردند.

**قادری** با بیان این مطلب که تحقق دموکراسی خیلی در گرو مباحث نظری نمی‌باشد، ادامه داد: تحقق دموکراسی تا حد بسیار زیادی در گرو تکثر قدرت و نهادهای مدنی است و به مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برمی‌گردد و به طرح مباحث تتوریک و نظری برنمی‌گردد.

**قادری** با طرح این مسئله که «اندیشه شیعی با دموکراسی سازگاری ندارد» گفت: من یک گزاره دارم و آنرا برای اولین بار در اردوی سالانه دفتر تحکیم وحدت مطرح کرده‌ام و آن این است که اندیشه شیعی با دموکراسی سازگاری ندارد، یعنی اگر اندیشه شیعی را با محوریت امامت در نظر بگیریم، با توجه به نقش امام در بحث فقه و نظارت بر افراد جامعه، این مطلب با دموکراسی همخوانی ندارد. وی تصریح کرد: اگر جامعه‌ای می‌خواهد که به دموکراسی دست پیدا کند باید اندیشه شیعه و امامت به یک وضعیت معنوی تبدیل شود.

**قادری** گفت: این نظر را دارم که جنبش روشنفکری دینی شیعی برای حضوری فعال و خلاق باید به نفع جنبش روشنفکری دینی اسلام، امتیازاتی را بدهد و این امتیازات نباید به صورت صوری باشد.

وی گفت: معتقدم که دموکراسی امروز برای ما مفید است چرا که نبودش برای ما مضر است. چه دموکراسی، چه شیعه و چه اسلام باید سنجیده شوند و باید دور از احساسات، مرزهای سرخ اندیشه پشت سر گذاشته شود و می‌بایست تعارضات فکری یکدیگر را بپذیریم.

در ادامه جلسه احمد قابل به طرح دیدگاه‌های خود پرداخت. وی طی سخنانی با ابراز خوشحالی از طرح چنین مباحثی در سطح محافل دانشگاهی گفت: من از طرح این بحث‌ها نگران نیستم چرا که عدم طرح آنها و ماندن آنها در صندوق اسرار دل افراد، هم برای آنانی که می‌خواهند از دین دفاع کنند و هم آنانی که در پی انتقاد از دین هستند، ضرر دارد.

**قابل** با طرح این مسئله که معتقد است، دین اسلام هیچ مدل حکومتی ارائه نداده است، ادامه داد: دین دو الگو را بیان کرده است که اولاً همانگونه که در زندگی خصوصی قائل به عدالت هستید، در جامعه و زندگی جمعی هم به آن قائل باشید و ثانیاً حاکمان در حکومت داری از مردم مشورت بگیرند. لذا اگر اکثریت مردم به اجرای احکام دینی قائل بودند، اگر خواستند می‌توانند اسمش را حکومت دینی بگذارند. وی با تأکید بر این مطلب که می‌شود، دیندار بود و دموکرات هم بود، تصریح کرد:

امامان خود دعوت به گفت و گو می‌کردند و با افراد گفت و گو و تبادل نظر می‌کردند و افرادی دموکرات بودند. آنان جنسشان با يك آدم دموکرات، متفاوت نبوده است و امامان صرفاً الگوي رفتاري براي زندگي انسان‌ها می‌باشند. آنقدر زندگي امامان و پیامبران با مردم یکی بوده است که مردم به آنها به راحتی انتقاد می‌کردند.

**قادري** در ادامه بحث با طرح این سوال که آیا در زندگي فعلی نیاز به امام می‌باشد یا خیر و آیا امامان عقلانیتي فراتر از عقلانیت ما دارند، گفت: نکات مطرح شده از سوی آقای قابل برای تصحیح چهره امامت در طول تاریخ خوب است؛ اما به نظر بنده گفت و گویی که بر پیامبران حاکم است با گفت و گویی دموکراسی متفاوت است، جنس پیامبر گفت و گو نیست، جنسش دعوت است. وی ادامه داد: سوال من این است که آیا برای اداره جامعه نیاز به امام داریم یا نه؟

**احمد قابل** در پاسخ به سوالات قادري گفت: عقل امامان همانند عقل انسان‌هاست. در مقام عمل آنها عنوان هادي گرفته‌اند، به خاطر متن مکتوب که در اختیار دارند، در جاهایی که بشر ممکن است دچار غفلت شود، به آنها تذکر می‌دهند. کار امامت، کامل کردن رسالت پیامبران است.

**قابل** تصریح کرد: چرا پیامبران ختم شدند، دلیلش این بوده که دیگر بحث اینکه از بیرون برای شما کسی برای هدایت بیاید، تمام شده است و شما دیگر باید با عقل خود، مسیرتان را ادامه دهید. در قیامت هم همه انسان‌ها با عقل خود حاضر می‌شوند، لذا عقل امام نسبت به انسان‌ها نه فراتر است و نه پیش‌تر، بلکه همانند است.

**قابل** با اشاره به بحث مطرح شده از سوی حاتم قادري در دانشگاه علامه طباطبایی مبنی بر اینکه خوارج از شیعیان، دموکرات‌تر بوده‌اند، گفت: خوارج به علی(ع) می‌گفتند که وی به واسطه حکمیت مردم، کافر شده است و باید استغفار کند و یا می‌گفتند که اگر کسی گناه کبیره انجام دهد، کافر است.

وی ادامه داد: حال حضرت علی در مواجهه با خوارج گفت و گو می‌کرد و ایشان به امام حسن(ع) گفته‌اند که دعوت کننده به مبارزه، ظالم است. حال این مطلب مطرح شده از سوی آقای قادري به چه معنی است؟

**قابل** با ابراز تأسف نسبت به عوام زدگی مردم گفت: به خاطر جهل و عقب‌ماندگی مردم يك تفکر اقلی از دین بر تفکر اکثری از اسلام حاکم شده است و دست ما بسیار پرت‌تر از رقیب می‌باشد. به تمام دوستان سفارش می‌کنم که قبل از نقد هر چیز باید تمام اجزای آن را بشناسند و اگر دین هم می‌خواهند از جامعه بیرون رود، باید اجزایش مشخص شود.

**قادري** در ادامه بحث با طرح سوالی گفت: اگر امام علی(ع) در میان ما بود، می‌شد که به ایشان انتقاد کرد یا نه و آیا این انتقاد فقط به صورت صوری می‌باشد و آیا در عرصه عمومی امامت وجود دارد یا نه؟

**قابل** در جواب گفت: من دفاع از مسلماني مي‌کنم نه از مسلمان. دين مي‌گويد به سراغ عقلانيت برويد اما طرفداران آن مي‌گويند که عقل درست نيست. وي ادامه داد: چيزي که الان به نام دين مطرح مي‌شود به دلایل انحرافات تاريخي، دين نيست، کفر است. دين يك انگيزه دوم است و هميشه لازم است. ائمه در زندگي فردي هيچ فرقي با مردم عادي نداشته و در هيچ جا به صراحت گفته نشده است که پیامبران مصون از گناه هستند. آنان انتقاد پذيرند چرا که در جنگ صفين آمدند و به علي انتقاد کردند و اين مطلبي صوري نبوده است.

**قابل** در پايان گفت: بيائيم واقعيت تاريخ را پيدا کنيم.